یادداشت

از تهران تا مریخ

سیب‌زمینی، اکسیژن و ربات‌ها؛ سه‌گانه بقا در مریخ

علیرضا جباری‌زادگان
پژوهشگر و مدرس معماری

در آستانه ورود انسان به مریخ، رؤیایی دیرینه از خیال به واقعیت نزدیک می‌شود؛ اما این سفر، تنها عبور از مرزهای فنی نیست، بلکه آزمونی است برای روح بشر: آیا در سیاره‌ای بیگانه، انسان خواهد ساخت یا ویران خواهد کرد؟ این یادداشت، روایتی است از نخستین گام‌ها بر خاک سرخ، از چالش‌های زیستی تا چشم‌انداز تمدن‌سازی در جهانی دیگر. در دوردست‌های تاریک کیهان، جایی که سکوت، آسمان را می‌بلعد و زمان، بی‌صدا پیش می‌رود، سیاره‌ای خاموش و سرخ، چشم به راه است. مریخ، این همسایه سرد و غبارآلود زمین، با چهره‌ای که مانند یک شاعر خاموش، داستانی از کهن‌ترین زمان‌ها روایت می‌کند، امروز به صحنه جدیدترین افسانه انسان تبدیل شده است. مریخ، سیاره‌ای کوچک‌تر از زمین، با دمایی که در اغلب روزهای سال، استخوان‌ها را می‌سوزاند و فضایی آکنده از دی‌اکسید کربن که مانند نغمه‌ای بی‌هوا، تنفس را دشوار می‌کند، همواره رؤیای خیال‌پردازان بوده است. از «مارینر»های دهه ۱۹۶۰ تا «پرسیورنس» که در ۲۰۲۱ بر خاکش بوسه زد، هر مأموریت، گامی بود به سوی افسانه‌ای که حالا رنگ واقعیت به خود گرفته است: سفر انسان به مریخ.

در پسِ تلاش‌های سالیان، سازمان‌های فضایی مانند ناسا، اسپیس‌ایکس، آژانس فضایی اروپا و روسکوسموس، مانند بافندگانی ماهر، رشته‌های این رؤیا را در هم تنیده‌اند. نقشه‌ها ریخته شد، موشک‌ها طراحی شد و سکونتگاه‌های زیستی شبیه‌سازی شدند. و اکنون اولین گروه از انسان‌ها، فرزندان زمین، در آستانه ورود به دنیایی دیگر ایستاده‌اند.

اما این آغاز، ساده نیست... .

پرده اول: سیب‌زمینی مریخی

فضا، آن‌قدرها هم مهربان نیست. نه اکسیژن هست، نه باران. بادهای خورشیدی مانند شمشیرهایی آتشین، بی‌وقفه می‌تازند و در میان این دشواری‌ها، انسان، با قامت لرزان اما اراده‌ای سترگ، باید راهی بیابد.

تهیه غذا در مریخ، شاید شیرین‌ترین و درعین‌حال تلخ‌ترین چالش باشد. در زمینی بی‌جان، باید زندگی پروراند. از دل خاک سترون مریخی، به یاری دانش ژنتیک و گلخانه‌های پیشرفته، دانه‌هایی خواهند رویید؛ و چه نمادین است که باز هم این سیب‌زمینی، این یار همیشه وفادار انسان، نخستین میوه امید خواهد بود. یا شاید بهتر است بگوییم: سیب‌زمینی مریخی! سیبی که طعم خاک بیگانه و عطر شجاعت بشر را در خود دارد.

پرده دوم: کودکان مریخی

مریخ با جاذبه‌ای معادل یک‌سوم زمین، جهانی نو از رفتارهای فیزیکی خلق می‌کند. در این سرزمین، کودکانی که به دنیا خواهند آمد، بدون پاسپورت زمینی و بدون مرزبندی‌های پوچ زمینی، با دستانی سبک‌تر و گام‌هایی بلندتر راه خواهند رفت. آیا تا به حال فکر کرده‌اید اگر یک کودک مریخی، توپ قلقلی خود را بر زمین بکوبد -یا بهتر بگوییم، بر مریخ- آیا باز هم همان‌گونه به هوا خواهد رفت؟ نه، توپ خواهد رقصید، سبک‌تر از آنچه بر زمین رخ می‌دهد و شاید دورتر، بی‌آنکه بداند تا کجا خواهد رفت، می‌رود و می‌رود، چراکه در این دنیا، جاذبه هم قصه دیگری است.

پرده سوم: پایتخت مریخ

مریخی آدم -به قول شخصیت ارسطو در مجموعه پایتخت- در پایتخت مریخ، فرزند زمین، هویت نوینش را خواهد ساخت. از سوی دیگر، معماری مریخی، پاسخ به ضرورتی حیاتی است: حفاظت در برابر تشعشعات، تأمین گرما و نگهداشت اکسیژن. شهرهای زیرزمینی، پناه‌گرفته در دل تپه‌های مریخی یا ساختارهای بادشکن از یخ و پلیمرهای سبک، چهره نخستین سکونتگاه‌ها را رقم می‌زنند. گنبدهای شفاف اما مقاوم، اجازه عبور نور آفتاب را می‌دهند، بی‌آنکه از خطر تشعشعات بکاهند؛ دیوارهای هوشمند، دمای داخلی را تنظیم می‌کنند. خیابان‌هایی باریک و باغ‌های معلق، جایی که کودکان در میان گیاهان ژنتیکی بازی می‌کنند، نخستین جلوه‌های تمدن را به مریخ خواهند آورد.

پرده چهارم: سیاره سرخ

پیشرفت در فناوری‌های بسته زیستی (Closed Ecological Systems)، تولید اکسیژن از دی‌اکسید کربن به وسیله رآکتورهایی مانند MOXIE، استفاده از منابع آب یخ‌زده زیرسطحی برای تأمین آب شرب و کشاورزی و توسعه چاپ سه‌بعدی مصالح از خاک مریخ برای ساخت بناها، همگی ستون‌های این آینده بزرگ را تشکیل می‌دهند. انرژی خورشیدی، مانند پرستوی روشنایی، موتور اصلی زیست در این کره خواهد بود؛ با شبکه‌هایی از آینه‌های عظیم که نور خورشید را جذب و توزیع می‌کنند. ربات‌ها، دستیاران بی‌خستگی، در ساخت‌وساز، کشت و حتی آموزش نسل آینده نقش‌آفرینی خواهند کرد.

پرده آخر: انسان، مریخ را می‌سازد یا نابود می‌کند؟

نخستین گام انسان بر خاک مریخ، نه‌تنها یک پیروزی فنی، بلکه تولدی دوباره برای روح بشری خواهد بود؛ روحی که در جست‌وجوی ناشناخته‌ها، هرگز از پای ننشسته است. در پایتخت نوین خود، باید ببینیم انسان چه خواهد کرد: آیا مهر خواهد ورزید یا سلطه خواهد جست؟ آیا خواهد ساخت یا ویران خواهد کرد؟

و شاید روزی، در آن سوی زمان، فرزندان ما بر خاک سرخ به آسمان بنگرند و بپرسند:
کدامین رؤیا، نخستین بذر این جهان را در دل انسان کاشت؟
و پاسخ، تنها یک زمزمه خواهد بود:
رؤیای رفتن، رؤیای بودن، رؤیای ساختن!
و رؤیایی که از زمین برخاست و در مریخ، جان گرفت.

خبر

فرهنگ شترمرغی

شرق: مهدی اقراریان، عضو شورای شهر تهران، در چهار سال گذشته بارها نسبت به عملکرد سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران انتقاد کرده است. به گفته او، بی‌توجهی به تذکرات شورا و تغییرات مکرر در سطح مدیریتی، روند فعالیت‌های فرهنگی و هنری شهر را تحت تأثیر قرار داده است. در اسفند ۱۴۰۳، اقراریان در جلسه شورای شهر تأکید کرد که تذکرات اعضای شورا باید جدی گرفته شود و مسئولان مربوطه با تعامل مناسب ابهامات را برطرف کنند. در فروردین ۱۴۰۴، او به تغییرات مکرر مدیران شهرداری اشاره کرد و این موضوع را مانعی برای ثبات مدیریتی و عملکرد مؤثر نهادهای شهری دانست. اقراریان افزود برخی جابه‌جایی‌ها با انگیزه سیاسی انجام شده و ثبات مدیریت باید در اولویت باشد. در مرداد ۱۴۰۴، اقراریان از کلیدخوردن تحقیق و تفحص درباره عملکرد سازمان فرهنگی و هنری خبر و هشدار داد در صورت ادامه ابهامات، شورا از ابزار قانونی تحقیق و تفحص استفاده خواهد کرد. او روز گذشته با انتقاد از سبک اداره این سازمان گفت: «سازمان فرهنگی و هنری شبیه یک شترمرغ عمل می‌کند؛ اعضای هیئت امنا از بسیاری از انتصابات و تصمیمات مطلع نمی‌شوند، جلسات لازم برگزار نمی‌شود و صورت‌جلسات فقط دست به دست می‌شود.

هشدار درباره ضعف‌های مدیریت و مراقبت در مراکز ترک اعتیاد شهرداری تهران

فرار دوباره از یاورشهر

نورا حسینی: چگونه ممکن است در شهری که هر سال از توسعه مراکز «یاورشهر» و ساماندهی معتادان متجاهر سخن گفته می‌شود، باز هم ده‌ها نفر از این مراکز فرار کنند؟ فرارهای پی‌درپی از این مراکز، نشان می‌دهد حلقه‌ای مهم در چرخه درمان، مراقبت و کرامت انسانی گم شده است.

نیمه‌شب، گروهی از مددجویان یاورشهر از مرکز خارج می‌شوند. برخی روایت‌ها جابه‌جایی با اتوبوس را نشان می‌دهد و برخی دیگر از فرار شبانه می‌گویند. نتیجه اما یکی است: ده‌ها معتاد متجاهر از یکی از مراکز رسمی شهرداری تهران گریخته‌اند. این سومین فرار بزرگ در سه سال اخیر است؛ نخست در زمستان ۱۴۰۱، بار دیگر در خردادماه و اکنون دوباره.

زهرا شمس‌احسان، رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر تهران، روز گذشته در صحن شورای شهر در تذکری پیش از دستور تاکید کرد که این حادثه نشانگر کاستی‌های جدی در فرایندهای داخلی مراکز است و ضرورت بازنگری بنیادین در رویکردها و سازوکارهای فعلی را آشکار می‌کند. او افزود: پایداری و اثربخشی برنامه‌های ساماندهی معتادان تنها با بازتوانی و توانمندسازی واقعی ممکن است. درحال‌حاضر رویکردها محدود به شناسایی و نگهداری صرف هستند و خدمات تخصصی بازتوانی جسمی، روانی و مهارتی ارائه نمی‌شود؛ یعنی مسئله از خیابان به درون مرکز منتقل می‌شود. خردادماه امسال فیلم کوتاهی منتشر شد که نشان می‌داد مردانی با لباس آبی در میانه بزرگراه یاسینی و اتوبان بابایی در حال دویدن هستند. چند روز بعد مشخص شد مردان آبی‌پوش از یاورشهر جاجرود فرار کرده بودند. شاهدان می‌گویند: «به محض بازشدن در دو سالن مرکز، بیش از ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر با دمپایی و لباس راحتی از ساختمان خارج شدند، وسط بزرگراه پخش شدند، از راننده‌ها آب و غذا خواستند و برخی در دره‌ها افتادند و زخمی شدند. این یک فاجعه اجتماعی بود».

آن شب، جنگ ۱۲روزه در جریان بود و انفجارها در محدوده جاجرود و یاسینی شنیده می‌شد. مسئولان مرکز تصور می‌کردند تنها ۲۰ نفر قصد خروج دارند، اما در چند دقیقه، همه چیز از کنترل خارج شد. اما این فرار تکرار شد. این بار از یک مرکز نگهداری دیگر.

ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، در واکنش به این اتفاقات گفت: مددجویان در زمان جابه‌جایی فرار کردند، اما مسئله اصلی چرخه ناقص است؛ همه دستگاه‌ها باید مسئولیت خود را درست انجام دهند، نه اینکه همه بار بر دوش شهرداری باشد. شهرداری دوباره آنها را جمع‌آوری می‌کند، اما بعد از مدتی دوباره رها می‌شوند و به همان پاتوق‌ها بازمی‌گردند. دراین‌میان روایت‌های متناقض نیز وجود دارد. مدیران شهری می‌گویند: مراکز نگهداری معتادان زندان نیستند و نمی‌توان از تعبیر فرار استفاده کرد. تعدادی از افراد این مرکز را ترک کرده‌اند و دوباره جمع‌آوری شده‌اند. کمپ شفق که بارها در حافظه رسانه‌ای تهران ثبت شده است، از سال ۱۳۸۹ تاکنون شاهد مرگ، اعتراض و فرار جمعی مددجویان بوده است. اکنون نیز همان مرکز تحت مدیریت پیمانکار مورد تأیید شهرداری، بار دیگر شاهد فرار گروهی است. امانی در توضیح افزود: مرکز اجاره‌ای بود و قراردادش تمام شده بود. در زمان جابه‌جایی، مددجویان فرار کردند.

یاورشهر ۹ و کمپ شفق امروز، نه‌فقط محل نگهداری، بلکه آینه‌ای از ناکارآمدی سیاست‌های اجتماعی تهران‌اند.

امین توکلی‌زاده، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، درباره این اتفاق به «شرق» گفت که یکی از پیمانکاران ما در یکی از مجموعه‌های تحت پوشش دچار تخلفاتی شده بود. رئیس کمیته اجتماعی شورای شهر بازدیدی از آن مجموعه داشتند و براساس مشاهدات میدانی، تخلفات را گزارش دادند.

او افزود: براساس‌این مدیرعامل سازمان مربوطه مکلف شد تا درباره برخورد با پیمانکار و اصلاح روند مدیریتی اقدام کند. همچنین با دادستانی و مجموعه بهزیستی جلساتی برگزار شد تا از ظرفیت مراکز آماده پذیرش مانند مجموعه زیادیان و فشافویه استفاده شود و فشار از روی مجموعه‌ای که دچار اخلال شده بود، برداشته شود. توکلی‌زاده با اشاره به تعهدات متعدد پیمانکار توضیح داد: پیمانکار طبق قرارداد موظف به تأمین خدماتی مانند غذا، محل اقامت، مددکاری و حضور پزشک بوده است، اما براساس نظارت‌ها و بازرسی‌های مکرر، این تعهدات به طور کامل انجام نشده است. معاون شهردار تهران تأکید کرد: این موارد به پیمانکار اعلام شده و تذکرهای رسمی نیز داده شده است. در نشستی با حضور دادستان مواد مخدر، گفت‌وگوی مفصلی درباره نحوه اصلاح عملکرد انجام گرفت. اگر این اصلاحات در زمان مقرر صورت نگیرد، ناچار به لغو قرارداد خواهیم بود.

علیرضا نادعلی، عضو شورای شهر تهران هم در واکنش به گزارش مطرح‌شده درباره تخلفات یکی از پیمانکاران مجموعه‌های مددکاری شهرداری گفت: من اطلاع تازه‌ای از جزئیات این موضوع ندارم، اما آنچه مطرح شد، مربوط به تذکر یکی از همکاران و گفت‌وگوی صورت‌گرفته با معاون اجتماعی شهردار تهران، آقای توکلی‌زاده بود.

او افزود: در شرایطی که ما با سختی فراوان مشغول نگهداری و رسیدگی به افراد تحت پوشش هستیم، تکرار چنین اتفاقاتی جبران‌ناپذیر و تحمل‌ناپذیر است. اگر توان نگهداری داریم، نباید چنین تخلفاتی رخ دهد و اگر نداریم، باید ساختارها را بازنگری کنیم. نادعلی با اشاره به ضرورت نظارت مستمر شورا و شهرداری بر عملکرد مراکز مددکاری ادامه داد: نباید نظارت‌ها مقطعی باشد؛ در غیراین‌صورت، هر بار شاهد بروز مشکلات مشابه خواهیم بود. این مسئله باید به صورت دقیق در کمیسیون‌های تخصصی شورا بررسی شود. البته همه مسئولیت‌ها بر دوش شهرداری نیست. تأمین امنیت این مراکز، نیازمند همکاری نهادهایی مانند فراجا و دیگر دستگاه‌های حمایتی است. اگر کاستی یا ایرادی وجود دارد، باید در فضای گفت‌وگوی مشترک بین دستگاه‌ها برطرف شود.

نادعلی تأکید کرد که این اتفاق برای ما قابل دفاع نیست و شورا قطعا موضوع را از مسیرهای قانونی و نظارتی پیگیری خواهد کرد تا از تکرار آن در آینده جلوگیری شود».

پیش از این اتفاق هم برخی از فعالان حوزه شهری از توقف طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر خبر می‌دادند.

معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران با تأکید بر اینکه طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر متوقف نشده است، گفت: شهرداری برای جلوگیری از اختلال در روند نگهداری و درمان، پرداخت بودجه برخی مراکز را موقتا بر عهده گرفته تا پس از تخصیص اعتبارات ملی، با دولت تسویه‌حساب شود.

محمدامین توکلی‌زاده، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری تهران، درباره وضعیت مراکز نگهداری معتادان متجاهر و همکاری دستگاه‌ها هم توضیح داد: طبق ظرفیت خالی که از سوی سازمان‌ها، ستاد مبارزه با مواد مخدر و براساس مجوزی که قوه قضائیه برای نیروی انتظامی صادر می‌کند، فرایند جمع‌آوری انجام می‌شود. درواقع هرگاه ظرفیت خالی در مراکز اعلام شود، نیروی انتظامی با مجوز قوه قضائیه اقدام به جمع‌آوری افراد می‌کند. او با بیان اینکه در هفته‌های اخیر نیز جمع‌آوری معتادان متجاهر ادامه داشته است، افزود: در این مدت اختلالاتی در روند پذیرش ایجاد شد که در حال رفع آن هستیم. چند مرکز همکار غیر از مجموعه‌های وابسته به شهرداری، به دلیل دریافت‌نشدن بودجه از ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور و وزارت کشور با مشکل مواجه شده بودند.

توکلی‌زاده ادامه داد: با هماهنگی انجام‌شده و موافقت شهردار تهران پذیرفتند که شهرداری موقتا هزینه‌های این مراکز را پرداخت کند تا فعالیت آنها متوقف نشود و سپس در حساب‌های فی‌مابین با دولت تسویه انجام گیرد. به‌هیچ‌وجه طرح جمع‌آوری متوقف نشده و شهرداری همچنان بیشترین تعداد معتادان متجاهر را نگهداری می‌کند.

به گفته توکلی‌زاده برخی مراکز بزرگ که چند ماهی پرداخت‌های‌شان به تأخیر افتاده بود، دچار مشکل شده بودند. اما با پیگیری‌های انجام‌شده و گفت‌وگوی شهرداری با وزارت کشور، مقرر شد شهرداری پرداخت موقت هزینه‌ها را انجام دهد تا مراکز بتوانند پذیرش را ادامه دهند.

توکلی‌زاده با اشاره به هماهنگی با هیئت دولت و سازمان بهزیستی گفت: در جلسات اخیر، درخواست داده شد تا اجازه پذیرش مجدد به مراکزی داده شود که زیر نظر سازمان بهزیستی و شهرداری فعالیت دارند، زیرا این مراکز از بزرگ‌ترین مراکز نگهداری در کشور هستند.

او درباره اخبار غیررسمی درباره آسیب معتادان یاورشهر ۹ در جریان فرار و فوت دو نفر در این حادثه توضیح داد: در مقطعی به دلیل بی‌نظمی موقت، برخی مشکلات در یکی از مراکز ایجاد شد که بلافاصله جمع‌آوری و ساماندهی انجام گرفت و افراد دوباره پذیرش شدند. خوشبختانه گزارشی مبنی بر وقوع حادثه سخت در آن مرکز نداشتیم. معاون شهردار تهران تأکید کرد: فضای مراکز نگهداری شبیه اردوگاه است، نه زندان. طبیعتا اگر افرادی قصد خروج داشته باشند، امکان مقاومت سخت در برابر آن وجود ندارد، اما با مدیریت میدانی و همکاری نهادهای انتظامی و حمایتی، نظم این مراکز در حال تثبیت است.

هر بار پس از فرار، مددجویان دوباره جمع می‌شوند، اما اعتماد عمومی و کرامت انسانی بازنمی‌گردد. تهران هنوز در چرخه‌ای می‌چرخد که از «جمع‌آوری» شروع می‌شود و به «فرار دوباره» ختم می‌شود و این روند همچنان ادامه دارد.

گروهی از معتادان متجاهر در پایتخت از مرکزی وابسته به شهرداری فرار کردند؛ مسئولان شهری ضعف در بازتوانی و مراقبت را عامل اصلی می‌دانند و بر اصلاح فوری سیاست‌ها تأکید دارند

فاصله سیاست‌های شهرداری و اقدامات اجرائی در محلات تهران

حقیقت حرف تا عمل در محلات

شرق: علیرضا زاکانی، شهردار تهران در نامه‌ای به رئیس‌جمهور پیشنهاد داد که امور شهری و محلی از سیاست‌های ملی تفکیک شود و الگوی «مدیریت واحد شهری» در سراسر کشور اجرا شود. او تهران را نمونه‌ای از تحقق حکمرانی محلی بر مدار مشارکت مردمی، نیروهای جهادی و ارزش‌های دینی معرفی کرد، اما اعضای شورای شهر معتقدند در عمل، اقدامات اجرایی با این سیاست‌ها همخوانی ندارد.

شهردار تهران با تأکید بر نقش شوراها در اداره شهرها گفته است: «هویت‌بخشی صحیح به نظام شورایی در سطوح محلی و تقویت ساختارهای مرتبط، پیش‌شرط واگذاری اختیارات به شهرداری‌ها در قالب مدیریت واحد شهری است». او تأکید کرد این تفویض اختیار می‌تواند مسیر ارائه خدمات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و عمرانی را در چارچوب سیاست‌های ملی هموار کند و سطح خدمت‌رسانی به مردم را ارتقا دهد.

زاکانی پیش‌شرط موفقیت این مدل را انتخاب درست اعضای شوراها و شهرداران و ایجاد نظارت کافی بر عملکرد آنان دانسته است تا اداره شهرها پویایی و کارآمدی لازم را پیدا کند.

در نگاه شهردار، مدیریت محلات با محوریت مسجد و گروه‌های جهادی نه‌تنها یک سیاست شهری، بلکه مصداقی از مردم‌سالاری دینی است: «بهره‌مندی از ظرفیت‌های مردمی و فرهیختگان محلی، به‌ویژه بر محور مساجد، امکان بازخوانی هویت‌های فراموش‌شده محلی و بازتجلی مردم‌سالاری دینی را فراهم می‌کند. تعریف درست فعالیت‌های جهادی در محلات و برگزاری رویدادهای پیوسته می‌تواند موجب رقابت سالم و خلق افتخار برای محلات شود».

راه‌اندازی ۳۵۳ ستاد مدیریت محلات با حضور فعالان جهادی، خانواده‌ها، مدارس و نیروهای مذهبی، از نظر شهردار تهران پایه‌ای برای اداره محلات با محوریت ارزش‌های دینی است و می‌تواند الگویی ملی برای سایر نقاط کشور باشد.

تمرکز دولت بر امور اساسی و رهایی از روزمرگی‌های اجرایی که سبب بهبود شاخص‌های کلان کشور، نظم در سطح ملی و تقویت تعاملات بین‌المللی می‌شود، نقش‌دهی به مدیریت محلی در قالب مدیریت واحد شهری؛ کاهش نواقص اداری، افزایش رضایت مردم و تحکیم امنیت و پایداری اجتماعی و فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی در محلات: ارتقای اعتماد عمومی، انسجام اجتماعی و تحقق مشارکت بر مدار خواست و ظرفیت واقعی مردم سه محور پیشنهادی زاکانی به رئیس‌جمهور است. با وجود تصویر ایدئولوژیک و برنامه‌محور زاکانی، ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران، معتقد است در عمل اوضاع متفاوت است: «ابتدا به نامه‌ای که شهردار تهران به رئیس‌جمهور نوشته‌اند اشاره می‌کنم. این نامه بسیار خوب بود و پیشنهاد داده بود موضوعات محلی از موضوعات ملی تفکیک شود. در بند دوم تأکید شده بود که با نقش‌دهی درست به مدیریت محلی می‌توان بسیاری از نقص‌ها را کاهش داد و رضایت مردم را افزایش داد».

امانی ادامه داد: «اما در عمل شاهد اقدامات دیگری هستیم. هیئت امنای محلات در حال شکل‌گیری است و اکثرشان هنوز در مرحله انتخاب مدیران محلات هستند. سرای محلات تقریبا از نظر درآمدی خودکفا هستند؛ علت این است که اماکن فرهنگی و اجتماعی در سطح محله به شورایاری‌ها و سرای محلات واگذار شده و به قیمت نازل به مردم خدمات ارائه می‌شود».

او با انتقاد از برخی اقدامات اخیر شهرداری گفت: «اخیرا شهرداران برخی مناطق در حال بازپس‌گیری و به مزایده گذاشتن این فضاها هستند. اگر این اتفاق اجرایی شود، منابع درآمدی سرای محلات حذف خواهد شد و وابسته به بودجه شهرداری می‌شوند. همچنین مردم دیگر امکان استفاده از خدمات ارزان را نخواهند داشت».

امانی تأکید کرد:

«تشکیل ستاد مشارکت‌های محله‌ای برای برنامه‌ریزی و توسعه مشارکت‌ها و تعیین سیاست است و اگر قرار است برنامه‌ای اتخاذ شود، باید به تصویب این ستاد برسد. اقدام اخیر، بدون تصویب ستاد، یعنی بی‌اعتبارکردن هیئت امنای محلات و مایه تعجب است».

هم‌زمان، جعفر شربیانی، عضو شورای شهر تهران، به نارضایتی برخی معتمدان محلات اشاره کرد:

«در تهران دیدگاه‌ها و مراجعه‌های متفاوتی درباره این موضوع وجود دارد و استانداردهای چندگانه مرتبط با این طرح موجب نارضایتی برخی معتمدان محلات شده است. ان‌شاءالله در نطق پیش از دستور خود جزئیات بیشتری ارائه خواهم داد».

این شکاف میان سیاست‌گذاری و اجرا، یکی از نقاط بحرانی مدیریت محلات تهران است که در این سال‌ها تهران گرفتار آن بوده است.

گزارش

آتش‌نشانان در خط مقدم خطر

شرق: روز آتش‌نشان فرصتی است برای یادآوری فداکاری هزاران نیرویی که در لحظات خطر، جان خود را برای نجات دیگران به خطر می‌اندازند. اما واقعیت این است که آتش‌نشانان تهران و دیگر شهرهای کشور با مأموریت‌های پرخطر، تجهیزات فرسوده، کمبود بودجه و قوانین ناقص روبه‌رو هستند. بسیاری از خودروها و ابزارهای عملیاتی بیش از ۲۵ سال عمر دارند و کارایی خود را از دست داده‌اند. در چنین شرایطی، سؤال اساسی این است: در حادثه بعدی، چه کسی مسئول جان‌های ازدست‌رفته خواهد بود؟ جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران درباره دشواری‌های حرفه آتش‌نشانی می‌گوید: اکثر کسانی که با ۲۳ سال سن وارد سازمان می‌شوند، ورزشکار و حتی قهرمان رشته‌های مختلف هستند. اما بعد از ۳۰ سال خدمت، بسیاری دچار درد و ناراحتی‌های جسمی و روانی می‌شوند؛ مشکلاتی مثل کمردرد، پروستات، ناراحتی اعصاب و دیگر آسیب‌ها. ملکی با اشاره به فشار روانی مأموریت‌ها افزود: در عملیات‌هایی مانند متروپل، نیروها مجبور بودند در ساختمان‌های نیمه‌خراب و آواربرداری پرخطر کار کنند؛ خطر سقوط بتن و میلگرد و قطعات سنگین همواره وجود داشت. مشاهده صحنه‌های دلخراش مانند پلاسکو یا جنگ ۱۲روزه تأثیر روانی شدیدی بر نیروها دارد. ملکی با انتقاد از بازنشستگی دیرهنگام و نقص قوانین بیمه می‌گوید: اگر آتش‌نشانان بعد از ۲۰ سال خدمت بازنشسته شوند، می‌توانند دوران جوانی خود را حفظ کنند، ورزش کنند و به زندگی شخصی برسند. اما در تهران، با ۳۰ سال خدمت، نیروها در اوج فشار جسمی و روانی مجبور به ادامه کار هستند. هزینه درمان مشکلات جسمی و روانی نیز بر عهده بیمه‌های فعلی نیست. او تأکید می‌کند اصلاح قوانین سختی کار و بازنشستگی می‌تواند ضمن کاهش آسیب‌های جسمی و روانی، انگیزه نیروی انسانی را افزایش دهد و زمینه شناسایی شهدای آتش‌نشانی را نیز فراهم کند.

او درخصوص وضعیت شهدای آتش‌نشانی گفت: «متأسفانه نیروهایی که جان خود را در خدمت به مردم از دست می‌دهند، به‌طور کامل شهید محسوب نمی‌شوند. تنها ۱۶ نفر از شهدای پلاسکو پس از پیگیری‌های بنیاد شهید به رسمیت شناخته شدند. این مسئله باید در مجلس بررسی شود تا عدالت در شناسایی شهیدان رعایت شود و انگیزه نیروها افزایش یابد». ملکی با تأکید بر ضرورت اصلاح قانون سختی کار و بیمه آتش‌نشانان هم می‌گوید تصویب قانون مدیریت ایمنی یکپارچه کشور و اصلاح قوانین بیمه و بازنشستگی می‌تواند مشکلات حقوقی، آموزشی، تجهیزات و استخدامی را برطرف کند و زمینه‌ای برای شناسایی شهدای دیگر فراهم سازد. قدرت‌الله محمدی، مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران هم به وضعیت تجهیزات و خودروهای عملیاتی اشاره می‌کند و وضعیت ناوگان را بحرانی توصیف می‌کند: ایران با کمبود دست‌کم سه هزار خودروی آتش‌نشانی روبه‌روست. بسیاری از خودروها و تجهیزات موجود بیش از ۲۵ سال عمر دارند و کارایی خود را از دست داده‌اند.

او به تجربه حادثه سبزوار اشاره کرد: در نبود نردبان نجات، آتش‌نشانان مجبور شدند با جرثقیل مردم را نجات دهند و از پمپ بتن‌ریزی برای اطفای حریق استفاده کنند. بودجه شهرداری‌ها پاسخ‌گوی رفع این کمبودها نیست و دولت و مجلس باید با اختصاص بودجه ملی، عقب‌ماندگی ۴۵ساله در تجهیز ناوگان آتش‌نشانی را جبران کنند.

محمدی تجربه «جنگ ۱۲روزه» تهران را نیز یادآوری می‌کند و می‌گوید: ۱۴۲ نقطه هدف قرار گرفت و در ۳۰ نقطه شهری، ریزش آوار بیشترین خسارت را داشت. در صورت آسیب‌دیدن سامانه‌های ارتباطی مانند ۱۲۵، ارتباط با مردم قطع می‌شود و لازم است ایستگاه‌های موازی برای حفظ ارتباط فعال باشند.